

متن محوری دوره

گام های نخستین در مسیر تربیت

مدرس: حجت الاسلام و المسلمین صادقی آرمان

گام های نخستین درمسیر تربیت

حجت الاسلام صادقی آرمان

زمستان ۱۴۰۳

www.hamyar28.ir



فهرست مطالب

- منظور از گامهای مقدماتی تربیت چیست؟ ۵
- ۱- شناسایی و آشنایی ۷
- ۲- محبت و انس ۸
- تدابیری برای ایجاد محبت و انس ۸
- ۳- تکریم و احترام ۱۱
- تدابیری برای تکریم و احترام ۱۳
- ۴- احساس نیاز و اعتماد ۱۵
- تدابیری برای ایجاد احساس نیاز و اعتماد ۱۶

منظور از گامهای مقدماتی تربیت چیست؟

قبل از اینکه مربی (یا مجموعه تربیتی) بخواهد روند هدایت و رشد متربی را پیگیری کند، قبل از هر چیز باید گامها و مراحل را طی کند تا متربی در اول مسیر هدایت و رشد خود قرار گیرد.

بیشتر دشواریها و بحرانهای کنونی در فرآیند تعلیم و تربیت، ناشی از گسستها میان گیرنده و فرستنده، پیامدهنده و پیام گیرنده است. به همین سبب، در جامعه ما با وجود تلاشهای زیادی که در زمینه تربیت نسل جدید شده است، نتیجه به دست آمده، دلخواه نیست؛ یعنی میان آنچه «قصد» کرده ایم و آنچه نسل جدید «کسب» کرده است، فاصله بسیار وجود دارد. در نتیجه «داده» با «ستاده» همخوانی ندارد و «گیرنده» با «فرستنده» مرتبط نیست.^۱

گامهای مقدماتی تربیت در این مکتوبه عبارتند از :

- ۱- **شناسایی و آشنایی:** تا مربی متربی را نشناسد و متقابلاً متربی با مربی آشنا نشود و لو اجمالاً، انسی حاصل نمیشود و نمیتوان کاری از پیش برد. درزمینهی مجهول نمیتوان کاری کرد. نمیتوان در تاریکی تیر انداخت؛ و نمیتوان با نسخه‌ی از پیش ساخته، با مریض روبه‌رو شد.
- ۲- **محبت و انس:** تا مربی به متربی محبت نرزد و متربی انس با مربی و مجموعه تربیتی نیابد، نمیتوان کاری از پیش برد. قبل از جذب کردن و لای گیره گذاشتن، نمیتوان سوهان زدن را شروع کرد.

^۱ دکتر عبدالعظیم کریمی، تربیت هادی در برابر تربیت عایق، پژوهش‌های تربیت اسلامی

۳- **تکریم و احترام:** تا مربی طعم تکریم را نچشد، اهل احترام نمی‌شود. و بدون این دو نمی‌توان کار تربیتی کرد.

۴- **احساس نیاز و اعتماد:** تا مربی احساس نیاز نکند و تا شما را برای برآوردن نیازهایش قابل اعتماد نبیند رابطه ای برقرار نمی‌شود. هر لحظه امکان رفتن او از مجموعه تربیتی وجود خواهد داشت. تا کسی احساس نیاز نکند حرکتی نمی‌کند. و همچنانکه مربی باید احساس نیاز کند مجموعه تربیتی نیز باید اعتماد او را برای آوردن نیازها جلب کند. چراکه هیچ تشنه‌ای کویر را طلب نمی‌کند.

هر کدام از این گامها تشکیکی و دارای مراتب است. مربی به هر میزانی که بتواند مراتبی از این گامها را محقق کند، به همان میزان می‌تواند انتظار خود از مربی را افزایش دهد. به عنوان مثال هر چند تنبیه از روشهای تربیتی است اما تنبیه دانش‌آموز تازه وارد، جز کینه برای او چیزی به ارمغان نمی‌آورد. همانطور که با افزایش آشنایی، انس، احترام و اعتماد او، می‌توان تنبیه‌ها و مسئولیتهای سخت‌تری به دوش او نهاد.

بر این اساس لازم نیست برای شروع تربیت منتظر تحقق همه مراتب گامهای مقدماتی شد بلکه هر وقت مربی اعتماد کافی برای پذیرش و تحمل مسیر تربیت را داشت کار تربیتی شروع می‌شود. و به تدریج مراتب آشنایی، انس، احترام و اعتماد مربی نیز افزایش می‌یابد بلکه اصلاً بالاترین مرتبه آنها پس از تربیت محقق می‌شود.

پاسخ به یک سوال کمک شایانی به مشخص تر شدن گامهای مقدماتی تربیت خواهد کرد: اگر کسی بپرسد رابطه گامهای مقدماتی تربیت با تزکیه به معنای پاکسازی چه می‌باشد، پاسخ داده می‌شود گامهای مقدماتی تربیت یعنی گامهایی که قبل از شروع هر سعی و همتی از جانب مربی، باید پیگیری شود. و از آنجایی که تزکیه نیاز به همتی برای پاکسازی و رهایی از بندها توسط خود مربی دارد جزو گامهای مقدماتی قبل از تربیت نیست بلکه جزو مراحل اولیه خود تربیت است. بنابراین مربی قبل از به راه افتادن در

مسیر تزکیه، تعلیم و مراحل دیگر تربیت، مقدمتاً باید گامهایی را طی کند تا منجر به اعتماد او به یک مربی (یا مجموعه تربیتی) شود و سپس به کمک آن، خود را در این مسیر قرار دهد.

گامهای مقدماتی تربیت به این معنا زیربنای همه برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی محسوب می‌شود. به همین علت بخش جداگانه‌ای به بررسی این گامها اختصاص یافته است.

۱- شناسایی و آشنایی

پس از ورود^۱ دانش‌آموز به مجموعه تربیتی و بلکه قبل از ورود دانش‌آموز به مجموعه و قبل از هر چیز باید ویژگیهای روحی، جسمی، سنی، جنسیتی، بومی و شخصیتی مخاطب بررسی شود. یعنی باید فهمید مخاطب دارای چه توانیهای، استعدادها، نیازها و علایقی است و سپس متناسب با هر مخاطبی برخورد مناسبی را در پیش گرفت. به عنوان مثال مخاطب نوجوانی که دارای انرژی و جنب و جوش زیاد است نمی‌توان صرفاً با کلاس جذب کرد. همینطور مربی باید تک تک ویژگیهای مخاطب را مرور کرده و برخورد مناسب با هر یک را طراحی کند.^۲

^۱ روشهای جذب دانش‌آموز از مدارس و مجموعه‌های دیگر و ورود آنها به کانون در کتاب «جذب و گزینش برنا» به صورت مفصل شرح داده شده است. بر این اساس ضروری است اکتفا به اعضای فعلی موجود در مسجد، پایگاه یا کانون نشده و از سایر منابع نیز، شناسایی و جذب صورت پذیرد.

به طور کلی هر برنامه‌ای که با رعایت شئون اسلامی، بتوان در آن شیوه‌های آزمایش و سنجش افراد را اندازه‌گیری کرد، می‌تواند به عنوان یک روش شناسایی افراد تلقی گردد. به عنوان مثال با برگزاری یک اردوی تفریحی و انجام مسابقات و ... می‌توان به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های افراد پی برد و مقدمات حضور آنها در کانون را فراهم کرد.

اینکه چه افرادی را جذب کنیم، از کجا جذب کنیم و چگونه جذب کنیم، خود بحث مفصلی می‌طلبد که در کتاب «جذب و گزینش برنا» در اختیار مربیان قرار گرفته است.

^۲ برای مطالعه بیشتر در این زمینه به بخش «مخاطب شناسی» مراجعه شود. ویژگی‌های مخاطب و روشهای شناسایی ویژگی‌ها به صورت مبسوط تشریح شده است.

۲- محبت و انس

باید مربی نسبت به متربیان محبت داشته باشد. خداوند متعال می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛ پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.»^۱ منظور از محبت، شوق به وجود الهی مخاطبین در راستای هدایت افراد است. «عاشقم به همه عالم که همه عالم از اوست». این محبت غیرمشروط است. اینطور نیست که اگر متربی فلان کار دلخواه مربی را انجام دهد مستحق محبت شود. اگر محبت شرطی شد اثر محبت غیرمشروط را ندارد بلکه اثر معکوس می‌یابد.

چنین محبتی از نوع علاقه به ظواهر افراد نیست که سبب وابستگی‌ها و دلبستگی‌های پوچ و افراطی شود.

باید با مراقبت دائمی از افراط و تفریط در این عرصه جلوگیری کرد؛ همانطور که باید از برخوردهای خشک و بی‌عاطفه پرهیز کرد، در عین حال نباید خود مربی اسیر عواطف و هیجانات خود شود. محفوظ ماندن خود مربی و عدم انحراف او از حدود، مهم‌تر از جذب متربی است.

علاوه بر توضیحات و ملاحظات مهم فوق، به برخی تدابیر نیز باید توجه داشت:

تدابیری برای ایجاد محبت و انس

۱- اصلاح رابطه با خدا: حضرت امیر(علیه‌السلام) فرمود: «مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَهُ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ»^۲ اگر کسی رابطه خودش با خدا را درست کند، رابطه او با مردم هم درست می‌شود. مگر نه آن است که قلوب مردم در دست خداست، مگر نه آن است که مردم جنود و سپاه الهی هستند، چه کسی بر دل‌های مردم مسلط

^۱ سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۵۹

^۲ نهج البلاغه (للصبحی صالح)، حکمت ۸۹

است، چه کسی بر زبان‌های مردم مسلط است. پس قبل از هر چیز خود مربی باید قلب خود را پر از عشق خدا کند و با اخلاص و تقوا در راه خدا مجاهدت کند.

۲- احسان: در حدیثی از امیرمؤمنان (علیه‌السلام) نقل شده است که فرمود: «الْإِنْسَانُ عَبْدُ الْإِحْسَانِ» انسان بنده احسان است^۱ و در حدیث دیگری از همان حضرت می‌خوانیم «بِالْإِحْسَانِ تُمْلِكُ الْقُلُوبَ» به وسیله احسان قلبها به تسخیر انسان درمی‌آید^۲ خلاصه این یک واقعیت است که هرکس به دیگری خدمتی کند یا نعمتی بخشد عواطف او را متوجه خود می‌سازد، و به صاحب خدمت و نعمت علاقه مند می‌شود. و هر قدر این نعمت مهم تر و فراگیرتر باشد تحریک عواطف به سوی «منعم» بیشتر می‌شود.

۳- برخورد متناسب با مخاطب: باید در سطح پروازی بچه‌ها وارد شد و پس از گره زدن قلب آنها به خود آنها را به بالا برد. اینکه مخاطب ما چه علایقی دارد مثلاً به چه بازی‌هایی علاقه دارد اهمیت دارد که چه بسا لازم باشد درباره همان بازی باب گفتگویی با او باز شود و از آنجا شروع کرد ولی به همانجا ختم نشود. یعنی به تدریج علاقه‌های متربیان را رشد دهیم تا درنهایت به سمت محبوب حقیقی کشیده شوند.

همچنین در تکلیف کردن نمی‌شود بیش از ظرفیت مخاطب را انتظار داشت. در هر مرحله ای از رشد فقط تکالیفی متناسب با آن مرحله سپرده می‌شود. به عنوان مثال در مراحل ابتدایی یا نباید تکلیفی به عهده مخاطب گذاشت یا به حداقل‌ها اکتفا شود؛ زیرا اصل تکلیف‌پذیری مقدماتی از قبیل انگیزه، بینش، اعتقاد، باور و ... لازم دارد که در افراد تازه‌وارد هنوز به وجود نیامده است.

^۱ غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۹، ح ۳۸۳

^۲ غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۰۲، ح ۱۲۲

۴- خطاب نیکو: یکی از حقوق هم‌نشینی که آدمی با او معاشرت دارد این است که او را با علاقه و محترمانه مورد خطاب قرار دهد^۱. این امر در جذب و جلب علاقه میان دو نفر تأثیر بسزایی دارد.

۵- هنر خوب شنیدن: بهره‌گیری از ظرفیت خوب شنیدن در مواجهه با دیگران، موجب دلبستگی آنان خواهد شد. خوب شنیدن یک صفت پسندیده پیامبر بود که حتی مخالفین هم به آن اعتراف داشته‌اند.^۲

۶- اعطای هدیه: رسول خدا صلی الله علیه و اله می‌فرمایند: «هدیه دادن، محبت می‌آورد و برادری را نگه می‌دارد و کینه و دشمنی را می‌برد. برای یکدیگر هدیه ببرید تا دوستدار هم شوید.»^۳

لازم نیست متربیان فقط در قبال مسابقه یا کاری هدیه بگیرند بلکه می‌توان در روزهای مبارک مثل عید غدیر، یا به مناسبت جشن تکلیف یا حتی روز تولد خودشان بهانه‌ای برای اعطای هدیه به آنان شود.

۷- آگاهی از پیشرفت‌ها و شایستگی‌ها: چنانچه در جریان موفقیت‌های نوجوانان و جوانان در عرصه‌های تحصیلی، ورزشی، هنری و ... قرار گرفته و با یادآوری و تشویق به موقع آنها عکس‌العمل مناسبی نشان دهیم، این امر زمینه‌های علاقه‌مندی را افزایش می‌دهد.

۸- گشاده‌رویی و خوش‌رفتاری: از عوامل مؤثر در جذب نیروها به فعالیت‌های تربیتی، گشاده‌رویی و خوش‌رفتاری است که جلوه‌های بارز آن در رفتار معصومین به وضوح نقل شده است. همانطور که در این آیه به آن اشاره می‌شود:

۱. رساله حقوق امام سجاد (ع)؛ حق ۳۱ (حق معاشر).

۲ قرآن کریم، پیامبر اسلام را از دید مخالفان ایشان، «أذُن» یعنی سراپا گوش لقب داده است؛ «و منهم الذین یؤذون النبی و

یقولون هو أذنٌ قل أذنٌ خیر لکم...». (سوره توبه/آیه ۶۱)

۳ «الْهَدِیَّةُ تُورِثُ الْمَوَدَّةَ ، وَتَجْدُرُ حَدِیثُ الْأُخُوَّةِ ، وَتُذْهِبُ الصَّغِیَّةَ ، تَهَادُّوا تَحَابُّوا» (بحار الأنوار : ج ۷۷/ ص ۱۶۶/ ح ۲)

امام صادق علیه السلام: «صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ وَحَسَنُ الْبَشْرِ يُكْسِبَانِ الْمَحَبَّةَ... نیکوکاری و گشاده رویی، محبت آورند...»^۱

۹- تغافل: چشم‌پوشی و تغافل در این مرحله باید رعایت شود. در برخورد با اشتباهات متعدد، باید چشم‌پوشی کرد و فقط به اشتباهات بسیار خطرناک و مهم رسیدگی نمود. البته تغافل به معنی عدم توجه و رسیدگی و عدم برنامه‌ریزی و عدم تذکر نیست. لذا در عین حالی که تغافل می‌کنیم اما دقت و رصد می‌نماییم و اشتباهات او را به ذهن سپرده و در زمان و مکان و موقعیت مناسب به صورت خاص و ویژه رسیدگی می‌نماییم.

۳- تکریم و احترام

عزیز و گرامی داشتن متربی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصول تربیت است، زیرا اساس تربیت بر کرامت و عزتمندی است. اگر فرد با عزت رشد یابد و تربیت شود، به حالتی دست می‌یابد که پیوسته در هر اوضاع و احوالی راستی و استواری پیشه می‌کند. ریشه همه تباهی‌ها در ذلّت نفس است^۲ و از این‌رو، بهترین راه اصلاح فرد در جامعه، عزت بخشی و عزت آفرینی است. اگر انسان به عزت الهی عزیز شود، از همه ناراستی‌ها وارسته می‌گردد و در برابر باطل و گناه، نفوذناپذیر و در راه حق محکم و استوار می‌شود.^۳ خداوند خود کریم است و به آدمی گوهر کرامت بخشیده است؛^۴ بر این اساس، انسان کرامتی ذاتی دارد و این برترین سرمایه وجودی را می‌تواند شکوفا کند. انسان به لحاظ

^۱ کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۱۰۳، ح ۵

^۲ «الإمام الهادي عليه السلام: مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ.» (تحف العقول: ۴۸۳)

^۳ «قال علي (ع) مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ» (نهج البلاغة: الحكمة ۴۴۹)

^۴ «تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (الرحمان ۷۸).

□ «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (إسراء ۷۰)، □ «قَالَ النَّبِيُّ □: إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاءِ» (نهج الفصاحه، ص ۳۴۵).

روحی و فطری به کرامت گرایش دارد و از پستی بیزار بوده و کمال آدمی در آن است که کرامتش رشد یابد و از امور پست دور گردد.

بنابراین یکی از مهم‌ترین اصولی که باید بر فضای مجموعه‌ی تربیتی حاکم باشد رعایت احترام و ادب است. احترام و ادب همراه با صمیمیت و محبت فضا را برای تأثیر کار تربیتی مهیا می‌سازد و سبب رفع لجاجت و دیگر موانع بیدارسازی فطرت انسانی می‌گردد و دل انسان را آماده پذیرش تربیت می‌نماید.^۱

همانطور که در بخش مخاطب شناسی شرح داده شد اوج تکریم به واسطه آگاه شدن متربی به وجود برتر الهی خود محقق می‌شود. اما قبل از آن باید در همه حالات و احوالات و برخوردهای مربی جلوه گر باشد. مثلاً پیشی گرفتن در سلام، به پای هم بلند شدن، عیادت، هدیه دادن و بسیاری از مواردی اینچنینی باید در تعاملات رعایت شود که در بسیاری از روایات به عنوان حقوق مومنین نسبت به هم وارد شده است.^۲

۱. «از خدا جوییم توفیق ادب بی ادب محروم ماند از لطف رب» (مثنوی معنوی مولوی)

۲ «عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: إِنَّ لِلْمُسْلِمِ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْمَغْرُوفِ سِتًّا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ إِذَا لَقِيَهُ، وَيَعُوذُهُ إِذَا مَرَضَ، وَيُسَمِّئُهُ إِذَا عَطَسَ، وَيُشْهَدُهُ إِذَا مَاتَ، وَيُجِيبُهُ إِذَا دَعَا، وَيُجِبُ لَهُ مَا يُجِبُ لِنَفْسِهِ، وَيَكْرِهُ لَهُ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ. (بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۵)

از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: هر مسلمان بر مسلمان دیگر، شش حق دارد:

۱ - هنگام ملاقات بر او سلام نماید.

۲ - هنگام مریضی از او عیادت نماید.

۳ - وقتی عطسه زد او را به جمله یرحمک الله دعا کند.

۴ - وقتی مرد در مراسم او حضور پیدا نماید.

۵ - هنگامی که او را دعوت کرد اجابت نماید.

۶ - آنچه برای خود می‌خواهد، برای او هم دوست بدارد و آنچه برای خود نمی‌پسندد، برای او هم روا ندارد.

همچنین قرآن کریم می‌فرماید: «هرگاه شما را درود یا تحیتی گفتند شما نیز باید با درود و ستایشی مثل آن یا بهتر پاسخ دهید.»^۳

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا، وَلَا تُؤْمِنُونَ حَتَّى تَحَابُّوا، أَفَلَا أَدَلُّكُمْ عَلَى عَمَلٍ إِذَا عَمِلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ.» (محجة البيضاء، ج ۴، ص ۳۸۲)

«پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله فرمود: قسم به کسی که جانم در دست اوست (خدا)، وارد بهشت نمی‌شوید تا ایمان بیاورید و ایمان نمی‌آورد تا اینکه همدیگر را دوست داشته باشید، آیا راهنمایی کنم شما را به کاری که وقتی انجام دهید همدیگر را دوست خواهید داشت؟ گفتند: بله یا رسول الله، حضرت فرمود: سلام را در میان خودتان افشاء (علنی) کنید.»

برخی آداب ظاهری از قبیل رعایت ادب و احترام توسط بزرگ‌ترها نسبت به کوچک‌ترها و بالعکس، از بهترین شعائر و نشانه‌های یک مجموعه تربیتی است که چهره ای زیبا از آن مجموعه به نمایش می‌گذارد و دارای آثار بسیار مهم و مفیدی است. بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها توجه می‌کنند؛ با ایشان با روی خوش برخورد نموده، عزت نفس آنها را از بین نمی‌برند؛ در سلام و احوال‌پرسی به پای یکدیگر بلند می‌شوند و با هم دست می‌دهند، نام ایشان را با پیشوند "آقا" صدا می‌زنند و بسیاری موارد دیگر که موجب احترامات متقابل از جانب متربیان نیز می‌شود.

کمبود چنین نعمتی در مجموعه‌های تربیتی، بزرگ‌ترین مانع شکل‌گیری تعاملات مناسب و تأثیر و تأثر افراد نسبت به یکدیگر است. نباید این قبیل رفتارها - هرچند برخی از آنها ظاهری هستند - دست‌کم گرفته شود. چه‌بسا همین موارد، راه را برای ایجاد احترام، همدلی و وحدت حقیقی در بین اعضا می‌گشاید.

اما علاوه بر نکات مهم فوق برخی تدابیر دیگر برای تکریم و احترام در ادامه ذکر می‌شود:

تدابیری برای تکریم و احترام

۱- ایجاد معرفت نسبت به استعدادها و توانایی‌های خود: اگر متربی بداند چه استعدادها و توانایی‌هایی دارد دچار سرخوردگی و خودکم بینی نمی‌شود. پس باید موقعیت‌هایی را به وجود آورد تا منجر به کشف استعداد و توانایی برای متربیان شود.

۲- مسئولیت سپاری: در اصل لزوم سپردن مسئولیت به متربی و نقش این کار در افزایش کرامت متربیان شکی نیست. فقط باید در نوع مسئولیت و چگونگی سپردن مسئولیت فکر کرد و ابتکاراتی داشت. در قالب‌های تربیتی به صورت تفصیلی‌تر در این باب گفتگو می‌شود.

۳- تشویق و تقدیر حداکثری: مربی باید دو هنر داشته باشد. یکی هنر دیدن خوبی‌های متربی و دومی هنر بیان خوبی‌های متربی. به قول معروف باید بتواند قطرات پر

لیوان را ببیند و آنها را به خوبی بیان کند. خلاصه اینکه ترغیب و ایجاد انگیزه‌های لازم که با تشویق‌ها و تقدیرهای مناسب و به‌جا فراهم می‌شود نقش فوق‌العاده‌ای در تکریم متربی خواهد داشت.

۴- رفق^۱، مدارا^۲ و تسهیل: بنا بر مبنایی که به ضعف وجودی انسان اشاره می‌نمود، نظام تربیتی زمانی سامان درست می‌یابد و می‌تواند افراد را به خیر رهنمون گردد که اصل تسهیل و تیسیر (آسان‌سازی)، مدارا و ملایمت در رأس آن قرار گیرد و از تنگ‌نظری و سخت‌دلی و خشونت‌گرایی پرهیز شود. باید توجه مربی پس از طی هر مرحله از رشد و کمال به مرحله‌ی بعدی معطوف شود اما مراحل باید با فاصله کوتاه و قابل دسترس تعریف گردد.

۵- برخورد کریمانه مربی: وجود کرامت در مربی و برخورد کریمانه او، خود بزرگترین عامل برای الگوسازی آن در وجود متربیان خواهد بود. بسیاری از موارد پیش‌گفته نیز می‌تواند از مصادیق آن باشد. و ایثار، فداکاری، انفاق علم و وقت و مال از مصادیق بارز آن هستند. مربی می‌تواند با انجام خدمتی غیرمنتظره تأثیرات عمیقی در وجود متربیان داشته باشد. بر همین اساس در کلام امام مجتبی (ع) آغاز به بخشش قبل از درخواست، دلالت بر کرم و بزرگواری آدمی دارد.^۳

۱. «عَلَيْكَ بِالرَّفْقِ فَإِنَّهُ مِفْتَاحُ الصَّوَابِ وَ سَجِيَّةُ أُولِي الْأَلْبَابِ»، «رَأْسُ السِّيَاسَةِ الرَّفْقُ» (غررالحکم / ج ۲ ص ۲۰ و ۳۷۲) و در جای

دیگر نیز فرموده اند: «كَمْ مِنْ صَغْبٍ تَسَهَّلَ بِالرَّفْقِ» (غررالحکم، ص ۲۴۴).

۲. «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (البقره / ۱۸۵).

۳. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۷۸، ص ۱۰۴.

۴- احساس نیاز و اعتماد

همانطور که متربیان به داشته‌های خود پی می‌برند باید نداشته‌های خود را نیز بشناسند.^۱ اینکه اگر توانی‌هایی دارند، نیازهای زیادی نیز دارند. وقتی کمال انسان، قرب الهی در نظر گرفته می‌شود یعنی کمال او تا بی‌نهایت است. بنابراین هر چقدر هم مراتب رشد را بالا برود باز تا بی‌نهایت فاصله‌ای به اندازه بی‌نهایت دارد. پس انسان به معنی واقعی کلمه فقیر است. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»^۲. مادامی که فاصله از مقصد و نیاز درک نشود نیاز به حرکت و تربیت نیز درک نمی‌شود. بنابراین کسی که احساس بی‌نیازی می‌کند نمی‌تواند مخاطب کار تربیتی و هدایت باشد. و آیات ۵، ۶ و ۷ سوره مبارکه عبس به همین معنا اشاره دارد: «إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُفَرِّقُ بَيْنَ الْمُتَّقِينَ وَالْمُفْسِدِينَ وَكَأَنَّمَا الْغَنِيَّ لَبِيسٌ»^۳. می‌پندارد، تو بدو می‌پردازی، با آنکه اگر پاک نگردد، بر تو (مسئولیتی) نیست»^۳.

نیاز به فعلیت رساندن استعدادها، مهم‌ترین نیازی است که باید ایجاد شود. پس باید سعی شود احساس نیاز به رشد واقعی در انسان شکوفا شود. اما بنا نیست از ابتدا مرتبه بالایی از احساس نیاز در متربیان شکل گیرد. هر چند نیازهای سطحی مانع فهم نیازهای واقعی می‌شوند اما در برخی موارد می‌تواند وسیله‌ای برای درک نیازهای عمیق‌تر شود. به عنوان مثال مربی مورد احترام واقع شدن به خاطر لباسی که پوشیده یا بدن ورزیده خود را طلب می‌کند اما نمی‌داند در باطن خود، حقیقتی دارد که فقط احترام و تکریم آن شایسته است. و مربی با ظرافت و به تدریج او را از ظاهر به باطن عبور می‌دهد.

بنا نیست که مستقیم به متربیان گفته شود که چه نیازهایی دارند بلکه باید تدبیر کرد تا خود آنها به نیازهای خود پی ببرند. تمام قالبهای تربیتی امکان ایجاد احساس نیاز در

^۱ برای دریافت تفصیلی نیازهای مخاطب به بحث مخاطب‌شناسی و اهداف رجوع شود.

^۲ سوره مبارکه فاطر، آیه ۱۵

^۳ «إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُفَرِّقُ بَيْنَ الْمُتَّقِينَ وَالْمُفْسِدِينَ وَكَأَنَّمَا الْغَنِيَّ لَبِيسٌ» (۵) فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى (۶) وَ مَا عَلَيْكَ إِلَّا يَرْكَبُ (۷)، سوره مبارکه عبس

متربیان را دارد. اگر مربی در کشف مجهولی درماند نیاز به پرورش تفکر را درمی‌یابد. اگر در به سرانجام رساندن کاری زود خسته شد به کم همتی خود پی می‌برد. اگر در اردو هنگام پریدن از یک مانع یا یک بلندی ترسید به کمبود شجاعت خود آگاه می‌شود. و هر برنامه‌ای به طریقی مربی را به نیازهایش می‌رساند. فقط باید تدبیر کرد تا دچار یأس نشود بلکه امیدوارانه رفع کمبود و نیاز را پیگیری کند.

مسئله بعدی آن است که مربی برای رفع نیازهایش به چه کسی و به چه جایی اعتماد کرده است؟ آیا غرب و تفکر غربی را حلال مشکلات و رافع نیازها می‌داند و یا مکتب اسلام را مورد اعتماد می‌داند؟

کسی که می‌تواند به نیازهای او پاسخ بگوید را به عنوان مراد و بلکه خدای خود می‌پذیرد. در اینجا مربی یا مجموعه تربیتی باید به مثابه یک بت شکن قد علم کرده و مراد حقیقی را نشان دهند. البته اینجا هم کار مجموعه تربیتی از رفع نیازهای کوچک شروع می‌شود تا به تدریج به جلب اعتماد حداکثری برسد. همان برنامه‌ها و قالبهایی که رفع نیاز می‌کند همان‌ها جلب اعتماد نیز می‌کند.

علاوه بر نکات مهم فوق برخی تدابیر دیگر برای ایجاد احساس نیاز و اعتماد در ادامه ذکر می‌شود:

تدابیری برای ایجاد احساس نیاز و اعتماد

۱- برنامه‌ریزی جامع متقن، منظم و جذاب^۱: برنامه‌ها باید دارای سه خصوصیت اتقان، نظم و جذابیت باشد.

اتقان برنامه به این است که نیازهای واقعی مخاطب لحاظ شده باشد. و همچنین برنامه‌های با آثار مانا و پایدار طراحی شود. بسیاری از برنامه‌ها به صورت آنی تأثیر بالایی دارند و حالات خوبی در مربی ایجاد می‌نمایند اما در بلندمدت اثری بر

^۱ در بخش قالبهای تربیتی به تفصیل در این باره بحث می‌شود.

شاکله، بینش و شخصیت او ندارند. باید روش‌ها و برنامه‌ها معطوف به ایجاد آثار پایدار و ماندگار در بینش و روحیات متربی باشد و در نهاد وجود او ملکات فاضله را ایجاد نماید. همچنین اتقان برنامه به این است که آن برنامه فقط یک طرفه محتوا به مخاطب ندهد بلکه تشنگی و احساس نیاز بالاتری را هم ایجاد کند.

نظم هم به واسطه تشکیلات و رعایت برخی تدابیر و تقسیم مسئولیت مناسب در مجموعه محقق می‌شود.

برنامه‌های مجموعه باید از تراز جذابیت بالایی نیز برخوردار باشند. قوی بودن محتواها کفایت نمی‌کند، بلکه باید قالب‌های ارائه محتواها هم قدرتمند، جذاب و کارآمد باشد. برنامه‌های با جذابیت پایین شاید به‌طور موقت و بنا بر مقتضیاتی دانش‌آموز را همراه خود سازد اما در بلندمدت او را ملول و خسته کرده و از ادامه کار باز خواهد داشت. برنامه‌های غیر جذاب حتی در بسیاری مواقع متربی را از محتواهای مهمی که مدنظر بوده بیزار خواهد کرد.

۲- مواجه کردن متربیان با شخصیت‌های والا؛ وقتی متربی شخصیت‌هایی برتر از خود را ببیند پی به فاصله خود با مطلوب می‌برد و احساس نیاز در او شکل می‌گیرد. این شخصیت‌ها می‌توانند از طریق کتاب، فیلم یا حضور در مجالس بزرگان به رخ کشیده شود. همچنین برخی ابعاد شخصیتی افراد مجموعه تربیتی حاضر نیز می‌تواند برجستگی‌های مناسبی داشته باشد.

- ۳- قابل اعتماد بودن خود مربی: مربی نیز باید از ویژگی‌های مناسبی برخوردار باشد.^۱ از جمله دارای شخصیت معنوی، دارای تخصص در حداقل یک رشته خاص، با ثبات، جذاب باشد وگرنه نمی‌تواند تکیه‌گاه مناسبی برای متربیان باشد.
- ۴- توجه به تک تک متربیان: برای اینکه بتوان رشد محسوسی در متربیان را پیگیری کرد نیاز به رسیدگی فرد به فرد است چرا که خصوصیات و نیازهای افراد تفاوت‌های زیادی دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود هر مربی بیش از ۱۵ متربی را به عهده نگیرد تا بتواند وقت بیشتری برای پیگیری فرد به فرد داشته باشد.
- ۵- تعامل مؤثر با خانواده: بخشی از اعتماد متربی به مربی یا مجموعه تربیتی از طریق خانواده تأمین می‌شود. به خصوص در سنین پایین‌تر این موضوع بروز بیشتری دارد. بنابراین مجموعه‌ها به منظور اعتمادسازی، باید برنامه مناسبی برای خانواده‌ها طراحی کنند.

^۱ در موضوعی که به «مربی» اختصاص دارد به تفصیل در مورد این ویژگی‌ها بحث شده است.